

م م م

ط ط ط

س س س

مقدمه ۱۲

فصل اول: شناخت مبانی هنرهای تجسمی

نقطه ۱۸
 خط ۲۳
 شکل ۲۳
 رنگمایه (تنالیته) ۲۸
 رنگ ۲۹
 بافت ۳۰
 مقیاس ۳۱
 جهت ۳۲
 بعد سوم ۳۳
 حرکت ۳۳

فصل دوم: شناخت انواع خط

چگونگی پیدایش خط ۳۶
 خط راست (مستقیم) ۴۰
 خط افقی ۴۱
 خط عمودی ۴۲
 خط مورب (مایل) ۴۳
 خطوط شکسته و منحنی ۴۷
 شکسته (زیگزاگ) ۴۸
 منحنی (خمیده) ۵۰
 خطوط تجسمی ۵۲

فصل سوم: ارتباط خط با سایر عناصر تجسمی

خط و شکل ۵۶

ضخامت خط ۵۸
 حدود بیرونی خط ۵۸
 خط و سطح ۵۹
 خط و نمایش عمق ۶۰
 خط و بافت ۶۰
 خط و نقش‌ونگار ۶۱
 خط و رنگ ۶۲
 خط و زمان ۶۴
 حرکت و آهنگ خط ۶۵
 خط و حرکت ۶۵
 خط و ترکیب‌بندی ۶۸

فصل چهارم: شناخت کیفیات بصری

قواعد طراحی و ترکیب ۷۳
 وحدت و تضاد ۷۴
 تناسب ۷۴
 تعادل و توازن ۷۵
 هماهنگی، تنوع و یکنواختی ۷۶
 ریتم، حرکت و سکون ۷۶
 تأکید و یکنواختی ۷۸

فصل پنجم: شناخت تأثیر بصری خطوط

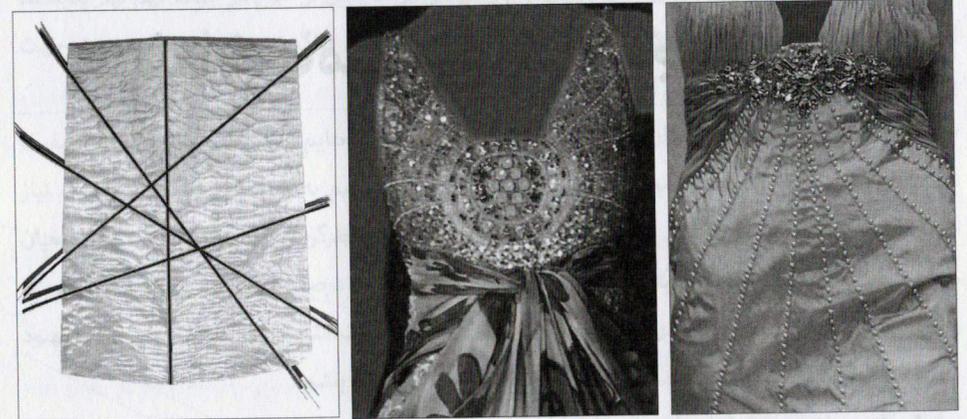
ویژگی‌ها و حالات خطوط ۸۲
 خطوط متغیر ۸۳
 خطوط روان (ریتمیک) ۸۳
 خطوط جلوه‌دهنده، نافذ (تأکیدی) ۸۴
 تعادل و توازن در لباس ۸۶
 هماهنگی و کنتراست در لباس ۸۷

مبانی هنرهای تجسمی

عناصر اولیه هنرهای تجسمی عبارت‌اند از: نقطه، خط، شکل، جهت، رنگ‌مایه، بافت، نسبت و مقیاس، بعد و حرکت.

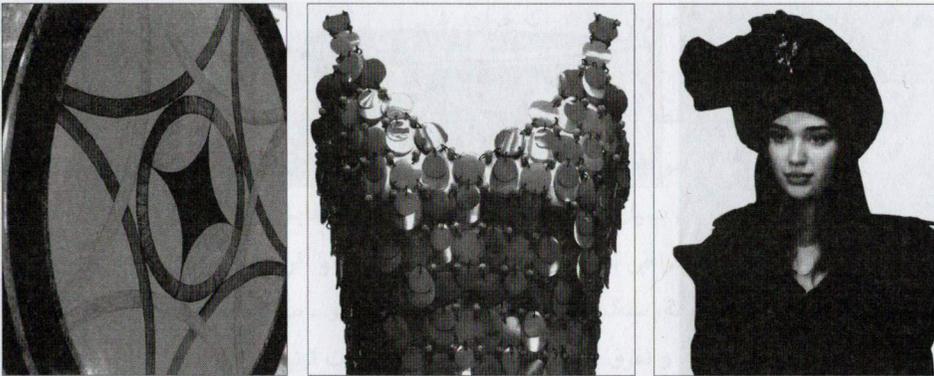
نقطه

نقطه ساده‌ترین و تجزیه‌ناپذیرترین عنصر در ارتباط بصری، مبدأ پیدایش فرم و شاخص فضا است. نقطه در دو سر یک خط واقع است یا در محل برخورد دو خط در سطح یا فضا قرار دارد. نقطه هر کجا که باشد، چشم را شدیداً به خود جلب می‌کند.

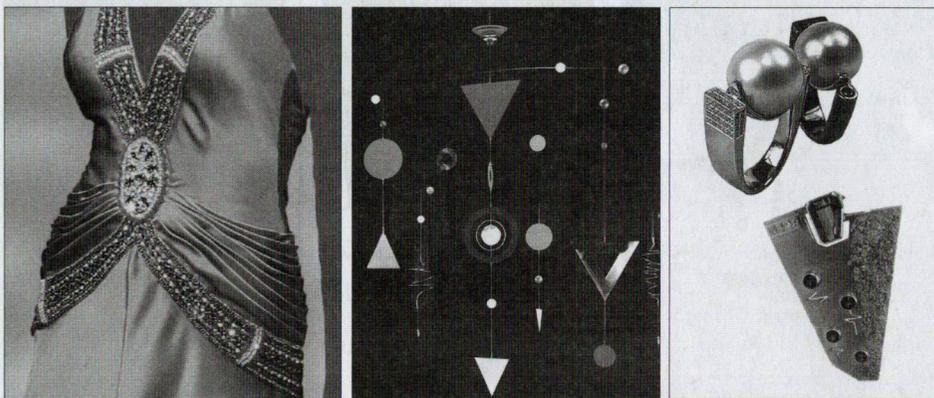


مجموعه چند نقطه خاصیت اتصالی دارد؛ به عبارت دیگر، قادر است چشم را راهنمایی کند و این قابلیت چشم با زیاد شدن تعداد نقاط و نزدیک‌تر شدن آن‌ها به یکدیگر افزایش می‌یابد.^۱
نقطه به عنوان ساده‌ترین عنصر تصویری دارای ارزش نسبی است و در شرایط خاصی جلوه‌های تازه به خود می‌گیرد و نمود آن متغیر می‌شود و حتی ارزش تصویری تازه‌ای می‌یابد.^۲
برای مثال، یک نقطه را تنها روی سطح کار بدون در نظر گرفتن اندازه آن می‌توان نقطه نامید، اما زمانی که نقطه در کنار خط نازکی قرار گیرد می‌تواند یک سطح مستقل در نظر گرفته شود.^۳
نقطه به شکل مدور دارای انرژی تصویری متراکمی در درون است و به هیچ جهتی گرایش ندارد؛ برعکس، انرژی تصویری نقطه‌هایی که به شکل مربع، مثلث و... هستند به خصوصیت تصویری آن‌ها برمی‌گردد.
• نقطه ممکن است کوچک یا بزرگ باشد، البته بستگی دارد که در چه فضایی و در چه شرایطی قرار گرفته باشد، در نتیجه از نظر اندازه مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. داندیس، ۱۳۶۸، ص ۷۱.
۲. حلیمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۸.
۳. مصلحی، ۱۳۸۷، ص ۹.



- نقطه می‌تواند در سطح مطرح شود یا به صورت حجم و سه‌بعدی در فضا وجود داشته باشد.
- نقطه ممکن است واقعیت فیزیکی نداشته باشد، ولی از لحاظ تجسمی قابل‌ادراک باشد.
- هر نقطه دارای مفهوم و جلوه خاص تصویری است؛ از جمله دارای «مرکزیت و ایستاد» است، خصوصاً اگر به صورت واحد در سطح یا فضا مطرح شود، ارزش تصویری مستقل خود را خواهد داشت.
- نقطه دارای انرژی بسیار متراکم و نهفته در درون است که چشم را شدیداً به خود جلب می‌کند.^۱
- نقطه در مرکز خود دارای تعادل و سکون است و در این حالت مفاهیم در آن ناپیدا هستند و قادر است عناصر اطراف را حول خود سازماندهی کند.^۲
- نیروی نقطه‌ها از لحاظ بصری به موقعیت و اندازه آن‌ها بستگی دارد.^۳
- وقتی نقطه از مرکز دور می‌شود، برای به دست آوردن تفوق بصری با فضایی که در آن قرار گرفته است، به رقابت می‌پردازد؛ در نتیجه یک واکنش بصری بین نقطه و محیط پیرامونش به وجود می‌آید.



۱. حلیمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۸.
۲. همان، ص ۵۳.
۳. نامی، ۱۳۷۱، ص ۲۷.